رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره ۹، شماره پیاپی ۱۰۲، آذر ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(9), 2024

تحلیل و تبیین نقش کودک و دوران کودکی در بوستان سعدی براساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر

Analysis and explanation of the role of children and childhood in Saadi's Boostan based on Alfred Adler's lifestyle theory

ندا عابد
دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
دکتر لطیفه سلامت باویل نویسنده مسئول)
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
دکتر مریم جلالی
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Neda Abed
PhD student of Persian Language and literature department central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Dr. Latifah Salamat Bavil*
Assistant Professor of Persian Language and Literature Department central Tehran Branch, Islamic Azad University, central Tehran Branch. Tehran, Iran.
Dr. Maryam Jalali
Associate professor, Department of Persian Language central Literature, Shahid Beheshti university, Tehran, Iran.

چکیده
ادبیات آیینه‌ی تمام نمای شرایط هر جامعه در دوران‌های مختلف تاریخی است و متون ادبی همواره بهترین مرجع برای مطالعه و بررسی شرایط اجتماعی اقشار مختلف مردم در هر دوران می‌باشد. کودکان نیز پایه‌های اصلی شکل‌گیری هر جامعه‌ای هستند و بررسی نقش و میزان توجه حکما و نویسندگان هر قوم و ملتی به این گروه از جامعه، می‌تواند روشن کننده بسیاری از مسایل فرهنگی و اجتماعی آن دوران باشد. از این جهت در تحقیق پیش رو به روش توصیفی – تحلیلی چگونگی حضور کودکان در یکی از متون ارزشمند ادب فارسی، بوستان سعدی، در بستر نظریه‌ی سبک زندگی آلفرد آدلر، روانشناس برجسته قرن بیستم بررسی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توجه به جنسیت کودکان در بوستان سعدی چندان مهم نیست و جایی هم که از جنسیت نام برده می‌شود پسران مورد توجه هستند، همچنین در بین سبک‌های فرزندپروری آدلر دو سبک مقتدرانه و مستبدانه بیشترین حضور را دارند. که می‌تواند نشان دهنده‌ی روحیه نصیحت‌گر و آرمان‌گرای سعدی باشد. برای انجام این پژوهش (گرد آوری و تحلیل داده ها)دو ماه وقت صرف شده است .
واژه‌های کلیدی: *سبک زندگی، آلفرد آدلر، کودکی، کودک، سعدی، بوستان.*

Abstract
Literature is a full-view mirror of the conditions of every society in different historical eras, and literary texts are always the best reference for studying and examining the social conditions of different strata of people in every era. Children are also the main foundations of the formation of any society, and examining the role and attention of scholars and writers of each nation and nation to this group of society can shed light on many cultural and social issues of that era. For this reason, in the upcoming research, the manner and frequency of children's presence in one of the valuable texts of Persian literature, Boostan, will be investigated in the context of the lifestyle theory of Alfred Adler, the leading psychologist of the 20th century. The findings of this article show that paying attention to children's gender is not very important in the garden, and even where gender is mentioned, boys are considered, and among parenting styles, authoritarian and authoritarian styles are the most present. This shows Sa'adi's advice-giving and idealistic spirit. Two months have been spent to conduct this research (data collection and analysis).
Keywords: *Life Style, Alfred Adler, Childhood, Child, Saadi's Boostan.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : خرداد ۱۴۰۳** | **پذیرش: آبان ۱۴۰۳** | **ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۳**

مقدمه

کودک و کودکی مهم ترین دوران زندگی هم به لحاظ فردی و هم به اجتماعی است چرا که پی‌ریزی ساختارهای اصلی هر جامعه‌ای از تربیت دوران کودکی افراد آن جامعه شکل می‌گیرد و بر همین اساس بسیاری از نویسندگان، شعرا و حکمای فارسی زبان در آثار خود از جنبه‌های گوناگون به مقوله‌ی کودک و کودکی پرداخته‌اند، یکی از این شعرا سعدی شیرازی است که آثار تعلیمی او در زبان فارسی شاخص است. تا حدی که آثار او در زمره‌ی آثار تربیتی شناخته می‌شود. بررسی چگونگی انعکاس دوران کودکی و توجه به کودکان در آثار ادبی کلاسیک و مدرن هر جامعه می‌تواند شاخص‌های مهمی از دوران پدید آمدن آن اثر ادبی را نمایان کند، چرا که با مطالعه در این آثار می‌توان ردپایی روشن از زندگی اجتماعی کودک به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

عنوان عضـوی از جامعه و نگاه جامعه به مقوله کودکی و کودکان را کشـف کرد. در عین حال بررسـی نقش کودکان و دوران کودکی در آثار ادبی یک دوره می‌تواند نمایانگر سـبک زندگی آن دوره نیز باشـد. مقوله سـبک زندگی از دو منظر قابل بررسـی اسـت. نخسـت از جنبه‌ی اجتماعی که کنش‌ها و رفتارهای فرد در جامعه را بررسی می‌کند و دوم از دیدگاه روانشناختی که بیان گر احساسات، نحوه‌ی نگرش و پیشینه‌ی تربیتی هر فرد در روند شکل گیری سبک زندگی او است. با بررسی سبک زندگی کودکان در بستر آثار ادبی می‌توان به مؤلفه‌های بسیاری در زمینه مسایل اجتماعی و روانشناختی هر دوره‌ی تاریخی دست یافت.

آلفرد آدلر مشـهورترین روانشـناسـی اسـت که اصـطلاح سـبک زندگی در آثار و نظریات او محور قرار گرفته و نظریات او در مورد سـبک زندگی تأثیر بسـیاری بر فضای کلی روانشـناسـی و حتی جامعه‌شـناسـی پس از خود گذاشـته و سـبب شـده تا او طلایه‌دار نظریات مبتنی بر سـبک زندگی در عرصه‌ی روانشناسی باشد.

آدلر سبک زندگی را به طور خلاصه این‌گونه تعریف می‌کند. سبک زندگی مفهومی است کلی که افزون بر هدف، در بردارنده‌ی اندیشه فرد درباره‌ی خود، دنیا و همچنین شـیوه‌های منحصر به فرد او در تلاش برای رسـیدن به هدف در شـرایط خاص است. سـبک زندگی فرد پُلی است به سـوی نیل به هدف شخصی (اکستین وکرن، ۱۳۸۹: ۳۵)

به نظر آدلر هر کودک در نخسـتین ماه‌های پس از تولد طی چهار یا پنج سـال ابتدایی زندگی، همزمان تعامل با سـه عامل وراثت – محیط و خود خلاق و تلاش برای غلبه بر احسـاس حقارت را فرا می‌گیرد و در راسـتای نیل به همین هدف وظایفی برای او شـکل می‌گیرد و تحقق زندگی یک انسـان در میزان فعالیت شخصی او در مواجهه با وظایف اصلی اجتماعی او بازشناسی می‌شود. شیوه‌ی مواجهه با این وظایف بیانگر سبک زندگی اوست (آدلر، ۱۳۶۱: ۷۳-۷۷)

روش

در زمینه نگاه سـعدی به کودک و کودکی پژوهش‌هایی انجام شـده که شـاخص ترین آن‌ها به شـرح زیر اسـت: مبانی تعلیم و تربیت کودکان در بوسـتان و گلسـتان (پایان نامه کارشـناسـی ارشـد، مهناز چالاکی، ۱۳۹۰، دانشـگاه بیرجند – بررسـی کودک و دوران کودکی در حدیقه‌الحقیقه، مثنوی معنوی و بوستان (طاهری عبدوند، جمال الدین مرتضوی، ۱۳۹۰) – تفاوت تعلیم و تربیت معاصر با گلستان و بوستان سعدی (واعظی، چالاکی، ۱۳۸۹) – خانواده و تعلیم و تربیت از نگاه سعدی در بوستان و گلستان (یوسفی، امیری، ۱۳۸۹) – آموزه‌های تربیت کودک در اشعار سعدی (ولی پور، ۱۳۹۶) – انگاره‌های جامعه شناسی دوران کودکی در ادبیات ایران (رسول زاده، ۱۳۹۶) – تعلیم و تربیت از منظر سعدی (مدرسی، ۱۳۹۶).

چنان که ملاحظه می‌گردد در همه این آثار تنها نگاه سـعدی با اسـتناد به محتوای دو اثر مهم بوسـتان و گلسـتان نسـبت به کودک و دوران کودکی بررسـی شـده اسـت و هیچ یک از پژوهش‌های مذکور در چارچوب نظریه خاصـی صـورت نگرفته. بر این اسـاس در پژوهش حاضـر قصـد بر این اسـت که بسامد و نحوه حضور کودکان در بوستان و نگاه سعدی به دوران کودکی براساس نظریه سبک زندگی آدلر بررسی گردد.

بر همین مبنا در تحقیق پیش رو نگرش سعدی به سبک زندگی کودکان در بوستان ، براساس نظریه‌ی سبک زندگی آلفرد آدلر و درواقع در سطح روانشناختی بررسی شود.

مبانی نظری پژوهش:

۱- سبک زندگی[1]:

۱-۱: سبک زندگی از جمله مفاهیم پرکاربردی است که ارائه یک تعریف منسجم و یگانه برای آن امکان پذیر نیست. از دید واژگانی این ترکیب از دو کلمه زندگی Life، سبک و شیوه style است. کلمه style به معنای شیوه‌های متفاوت در انجام کارها و ترکیب این دو کلمه معنای شیوه‌ی انجام دادن، گزینش و عملکرد متفاوت هر فرد در زندگی را به ذهن متبادر می‌کند.

گیدنز[2] در تعریف سبک زندگی می‌گوید: «مجموعه‌ای منسجم از تمام رفتارها و اعمال یک شخص واحد در جریان روزمره زندگی است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت گیری‌هاست و به همین دلیل از گونه‌ای یگانگی و وحدت برخوردار است.» (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۲۱).

پیربوردیو[3] معتقد اسـت: «سـبک زندگی نتیجه‌ی قابل رویتی از ابزار عادت‌هاسـت.»، به نظر بوردیو همه‌ی آن چه در اطراف و درون زندگی انسـان وجود دارد بخشی از سبک زندگی اوست. (Bourdieu, 1984:17)

رویکرد روانشناسانه به مقوله سبک زندگی با نگاه به انسان و کاوش شخصیت او صورت می‌گیرد و در واقع بخشی از مطالعات روانشناسانه‌ی بشری است.

1 Lifestyle
2 Giddens
3 Bourdieu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

این رویکرد تا حد زیادی به مطالعه‌ی رفتارها و روش‌های فردی برمی‌گردد. رفتارها و روش‌هایی که با استفاده از آن‌ها اهداف زندگی خود را دنبال کرده و مسایل زندگی اش را حل می‌نماید.

۲- معرفی آلفرد آدلر و نظریه سبک زندگی

آلفرد آدلر در سال ۱۸۷۰ در اتریش متولد شد. دوران کودکی دشواری داشت. او دومین فرزند از هفت فرزند خانواده بود و با برادر بزرگترش که فرزند نمونه بود رقابت داشت. این موضوع باعث شد تا آدلر، آنچه را که بعدها تحت عنوان «منظومه خواهر-برادری» یا «منظومه خانوادگی» شهرت یافت و نقش مؤثر آن در سبک زندگی را عملاً تجربه کند. چهره‌ی نه چندان زیبا و ناتوانی او (به علت بیماری) در مقایسه با همسالانش، موجب پرداختن او به مسئله عقده حقارت شد. بنابراین آدلر بر اساس تجربه‌های زیسته خود متوجه شد که دوره‌ی ۵ سال اول زندگی - که بعدها طرفداران آدلر آن را تا ۱۱-۱۲ سالگی نیز افزایش دادند - در تعیین سبک زندگی کودک که به‌منزله خط راهنماست، تأثیر بسیاری دارد.

آدلر نخست وارد رشته‌ی چشم پزشکی شد و تخصص گرفت، اما بعد به روان‌شناسی گرایش پیدا کرد. برخورد آدلر با فروید برای او بسیار سرنوشت ساز بود و او علناً از فروید در مقابل همکاران و دشمنانش که به نظرات فروید عقیده‌ای نداشتند دفاع کرد (کی‌نیا، ۳۴:۱۳۵۶). درنهایت آدلر راه خود را از فروید جدا کرد و در سال ۱۹۱۲ بر پایه‌ی نظریات شخصی خود، مکتبی به نام «مکتب روان‌شناسی فردی» تأسیس کرد. آدلر با انتخاب این عنوان قصد داشت فرد را به‌عنوان کل و جوهری تقسیم ناپذیر معرفی کند؛ که شناختش تنها در صورتی که کلیتش در نظر گرفته شود؛ امکان‌پذیر خواهد بود (شافر، ۱۰۰:۱۳۵۱). این عقیده، کاملا در نقطه مقابل عقیده فروید که مبتنی بر تفکیک و تجزیه ساختار روانی به اجزایی متفاوت است قرار می‌گیرد. بنابراین، روان‌شناسی فردنگر، بر وحدت شخصیت تأکید دارد. بر اساس این مکتب، افکار، احساسات و اعمال فرد همگی به سمت خاصی هدایت‌شده و در خدمت مقصود خاصی هستند؛ پس رفتار مستقل و به تنهایی وجود ندارد و تمامی آن‌ها معنادار و منسجم هستند (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۸-۱۱؛ فیست و فسیت، ۱۳۸۶: ۹۲).

شاید بزرگ‌ترین موفقیت روان‌شناسی فردی، مفهوم سبک زندگی باشد. آدلر برای توضیح این مفهوم از موسیقی به عنوان مثال یاری می‌گیرد و به نظر او همان‌گونه که نت‌های مجزای یک تصنیف بدون کل آهنگ بی‌معنا هستند و زمانی که با سبک آهنگساز یا روش منحصربه‌فرد بیان او آشنا شویم، آهنگ بامعنا می‌شود؛ آشنایی کامل با شخصیت فرد زمانی میسر می‌گردد که با سبک زندگی او آشنا شویم. (فیست و فیست، ۱۳۸۶: ۹۷). بنابراین سبک زندگی، مقوله‌ای است که از طریق آن شخصیت فرد درست‌تر و دقیق‌تر شناخته می‌شود.

به عقیده آدلر کودک از سن رشد تا حدود سن ۵-۶ سالگی اهدافی را توسعه می‌دهد که راهنمای وی به‌سوی بزرگسالی می‌گردد و روش‌های منحصربه‌فردی که هر شخص برای رسیدن به این اهداف برمی‌گزیند سبک زندگی نامیده می‌شود. سبک زندگی با سازمان‌دهی و یکپارچه کردن افکار و ادراکات و اعمال فرد و درنهایت با وحدت بخشیدن به کارکرد وی، زمینه دستیابی به هدف او را فراهم می‌کند. به بیان دیگر، «سبک زندگی یک الگوی فعال و هدف محور است که در طول زندگی فرد نسبتاً پایدار باقی می‌ماند. همچنین سبک زندگی شامل اجزای خودآگاه و ناخودآگاه است و فهم آن مشابه فهم شعر است که در آن هرچند از کلمات استفاده می‌شود ولی معنای آن بیشتر از کلمات به‌کار رفته است (ناصحی و رئیسی، ۱۳۸۶: ۵۹). آدلر در مورد شکل‌گیری سبک زندگی عقیده دارد که کودک به‌وسیله‌ی تعامل با (دیگران و اعضای خانواده...) شروع به تنظیم طرح‌واره‌ها و شناخت‌هایی می‌کند که یاری‌رسان وی در فهمیدن و درک جهان خواهند بود. درنتیجه‌ی تعداد زیاد این تعاملات، سبک زندگی کودک ساخته می‌شود و این سبک زندگی مواجهه با مشکلات و تکالیف زندگی را برای او ممکن می‌کند (یزدان‌دوست، ۱۲:۱۳۸۹).

درنهایت آدلر سبک زندگی را این‌گونه خلاصه می‌کند: «سبک زندگی مفهومی است کلی که افزون بر هدف، دربردارنده اندیشه فرد درباره خود، دنیا و همچنین شیوه‌های منحصربه‌فرد او در تلاش برای رسیدن به هدف در شرایط خاص است. سبک زندگی فرد، پلی است به‌سوی نیل به هدف شخصی.» (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۳۵).

آدلر عقیده داشت که در بررسی سبک زندگی افراد چندین شاخص مؤثر است؛ زیرا سبک زندگی کودک با توجه به آن‌ها ساخته می‌شود. این موارد شامل: سبک‌های فرزندپروری (والدینی-تربیتی)، منظومه خانوادگی (ترتیب تولد)، تکالیف (وظایف) و هدف در زندگی است که در ذیل به تعریف آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱- سبک‌های فرزندپروری:

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که کودک به آن وارد شده و زندگی خود را در دنیا آغاز می‌کند. این محیط در کنار عامل وراثت، شکل‌دهنده شخصیت و رفتار فرد خواهد بود. درواقع بسیاری از عادات، گرایش‌ها و اعتقادات کودک در خانواده بنیان گذاشته می‌شود؛ پس جای تعجب نخواهد بود اگر این نهاد مورد توجه اکثر روان‌شناسان قرار بگیرد (یزدان‌دوست، ۱۱:۱۳۸۹). به عقیده آدلر کودک با تعمیم تجارب به‌دست‌آمده از خانواده به دنیای بیرونی، پایه و اساس روابط و تعاملات خود را بنا می‌نهد. برای مثال در صورتی که والدین فرزندان را تنبیه کنند کودکان می‌آموزند که فردی آسیب زننده باشند یا اگر والدین همه وظایف مربوط به کودک را انجام بدهد، کودک می‌آموزد همیشه انتظار انجام امور از جانب دیگران داشته و سبک زندگی غیر فعالی را در خود پرورش بدهد. ازجمله مباحث مطرح در حوزه خانواده، سبک فرزند پروری والدین است که بر رشد دیدگاه کودک نسبت به دنیا، رشد و تکامل فرد در دوران کودکی، ایجاد سازگاری‌های مختلف و خصایص بعدی شخصیت وی تأثیرات فراوانی دارد (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۱۳۷). به‌طورکلی شیوه‌های فرزندپروری از دو عنصر اصلی درخواست‌کنندگی والدینی و پاسخ‌دهندگی والدینی تشکیل شده‌اند (اسمخانی، اکبری نژاد، نصیرنژاد

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

و اعتمادی، ۱۴:۱۳۸۸). بامریند[1] عقیده دارد که درخواست‌کنندگی یا توقع به این اشاره دارد که والدین انتظار رفتار پخته دارند، بنابراین کنترل و نظارت می‌کنند. پاسخ‌دهندگی به میزان گرمی و پذیرش والدین اشاره دارد که خود را درگیر کارهای کودکان می‌کنند (نقل از زینالی، وحدت، قره‌دینکه / فصلنامه‌ی خانواده پژوهی / ۳۳۸:۱۳۸۹). از ترکیب این دو عنصر، چهار سبک فرزندپروری به‌وجود می‌آید که عبارتند از: سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه و مسامحه‌گر یا بی‌توجه که در ذیل به تعریف هر یک پرداخته می‌شود. (شایان ذکر این که این چهار سبک بعدها با همکاری اکستین به ده مورد افزایش یافت).

*الف: **سبک مقتدرانه*** (درخواست‌کنندگی بالا- پاسخ‌دهندگی بالا): این والدین قوانین واضح و روشنی وضع کرده و کودکان را مجبور به اجرا می‌کنند. آن‌ها اصول بنیادی قواعد و قوانین محدودیت‌هایشان را توضیح می‌دهند. این والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار هستند و ارزش زیادی به رشد خودمختاری می‌دهند. در این سبک، والدین به نوجوانان فرصت‌هایی می‌دهند تا آن‌ها را در تصمیم گیری و استقلال نیرومند کنند (فتحی و نوابخش، ۵۰:۱۳۹۰). کودکان این والدین، سعی در همانندسازی و الگوبرداری از والدین خود دارند. در خصوص زندگی، دارای احساس مثبت هستند. عقیده خود را با اعتماد به نفس ابراز کرده و به توانایی‌های خود اتکا می‌کنند (غنی‌آبادی، ۱۳۷۷: ۴۶-۴۷).

*ب: **سبک مستبدانه*** (درخواست‌کنندگی بالا - پاسخ‌دهندگی پایین): والدینی که دارای این نگرش هستند، معتقدند ضرورتی ندارد برای دستورهایی که به کودک می‌دهند، دلیل یا توجیهی بیاورند. آن‌ها معتقدند باید برای فرزندانشان محدودیت‌هایی در نظر بگیرند (پرچم، فاتحی زاده، الهیاری، ۱۱۷:۱۳۹۱). والدین قدرت‌طلب دارای ویژگی‌هایی چون کنترل بیش از حد کودک با توجه به رفتارهای معین مورد نظر خود، تشویق به اطاعت و استفاده از شیوه‌های مختلف تنبیه، ممانعت از اظهار نظر کودک و ... هستند (غنی‌آبادی، ۱۳۷۷: ۴۶). کودکان این والدین کم‌تر به خود متکی بوده و خلاقیت کمی دارند و از این که بخواهند در چنین محیطی ادعای حق کنند هراس دارند.

*ج: **سبک آسان‌گیر*** (درخواست‌کنندگی پایین- پاسخ‌دهندگی بالا): این والدین نسبت به رفتار بچه‌ها بسیار اغماض کننده‌اند و در رفتار بچه‌هایشان کمتر رفتار کنترل‌کنندگی دارند. این والدین بیشتر تمایل دارند رفتارهای سرد و غیر مشارکتی داشته باشند (فتحی و نوابخش، ۵۲:۱۳۹۰). کودکان چنین والدینی نیز دارای ویژگی‌هایی چون: مقابله نکردن با مشکلات، اعتماد نکردن به والدین، تبعیت نکردن از ارزش‌های والدین، مشکل در برقراری ارتباط صمیمانه، عدم احساس مسئولیت در قبال انجام تکالیف روزمره هستند (غنی آبادی، ۱۳۷۷: ۴۵).

*د: **سبک مسامحه‌گر یا بی توجه*** (درخواست‌کنندگی پایین- پاسخ‌دهندگی پایین): این والدین خود را در تربیت بچه‌ها درگیر نکرده و به نظر می‌رسد مراقبتی روی بچه‌ها نداشته باشند و حتی آن‌ها را نپذیرند. این والدین آزادی عمل زیادی به بچه‌ها می‌دهند و معتقدند که کنترل بچه‌ها مانع رشد آزادی آن‌ها می‌شود. فرزندان این والدین دارای اعتماد به نفس کمی هستند و در برقرای ارتباط مشکل دارند (فتحی و نوابخش، ۵۳:۱۳۹۰).

چهار موردی سبک‌های اصلی فرزندپروری آدلر بعدها به یازده مورد گسترش داده شد (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۸۳) که عبارتند از:

سبک آزاد منش و امید بخش/ سبک بسیار آسان گیر/ سبک بسیار مطیع/ سبک بسیار جدی/ سبک کمال گرا /سبک بسیار مسئول سبک بی توجه/ سبک طرد کننده/ سبک تنبیهی/ سبک خود بیمار انگارانه/سبک از نظر جنسی تحریک کننده

۲-۲- منظومه خانوادگی:

یکی از تأثیرگزارترین عواملی که آدلر باید در ایجاد سبک زندگی فرد مورد توجه قرار بگیرد منظومه خانوادگی است. ترتیب تولد فرزندانی که در یک خانواده زندگی می‌کنند و نیز رابطه پویا میان برادران و خواهران نقش به‌سزایی در سبک زندگی فرد دارد (همان: ۱۴۳). بنا به اعتقاد آدلر با وجود اینکه همشیرها، والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می‌کنند، اما محیط‌های اجتماعی همانندی ندارند. لذا بزرگ‌تر و کوچک‌تربودن از سایر همشیرها و قرار داشتن در معرض نگرش‌های متفاوت والدین شرایط کودکی مختلفی را برای هر فرد به‌وجود می‌آورد که به تعیین شخصیت کودک کمک می‌کند (نقل از جعفری و ابوترابی، ۱۳۷:۱۳۸۹). هنگامی که کودک شروع به رشد شناختی اجتماعی می‌کند، شخصیت خود را در رابطه با گروه همشیرهای خود (فقدان یک گروه از همشیرها در مورد تک فرزندان) توسعه می‌دهد (یزدان‌دوست، ۱۳۸۹: ۳۰). آدلر این عامل را در شکل‌گیری سبک زندگی فرد مؤثر می‌دانست و عقیده داشت که فرد از این موقعیت برای ساختن زندگی خود استفاده می‌کند (ناصحی و رئیسی، ۱۳۸۶: ۶۲). آدلر اساس یک گونه‌شناسی را به عنوان وسیله کار بنا نهاد و به تأیید این نظر پرداخت که وضعیت‌های معین از گذشته دور کودک احتمالاً موجب پیدایش بعضی از خصوصیات منش می‌گردد. لازم به ذکر است که گونه‌شناسی آدلر با این مزایا که موضوع را به طریق تجربی و عینی مورد نظر قرار می‌دهد وسیله با ارزشی است که می‌تواند همواره مدنظر باشد اما به صورت یک قانون همواره صادق نیست (آدلر، ۱۳۶۱: ۱۳۴-۱۳۶).

۲-۳- تکالیف زندگی:

آنچه در سبک زندگی اهمیت به سزائی دارد وظایف زندگی فرد است؛ یعنی اینکه فرد خود را چگونه با چالش‌های زندگی منطبق می‌کند (ناصحی و رئیسی، ۱۳۸۶: ۶۰ -۶۱). آدلر عقیده دارد که هر فردی حداقل با سه تکلیف اساسی (اجتماعی یا دوستی، کار، عشق) روبه‌روست. شاگردان آدلر در سال‌های بعد تکالیف دیگری برای بررسی سبک زندگی افراد تدوین کردند که از میان این هفت تکلیف (تکلیف اجتماعت و دوستی، معنویت، خلاقیت، فراغت، کار، مراقبت و عشق) تکلیف‌های معنویت، خلاقیت، کار و عشق قابلیت بررسی در متنی مثل بوستان را دارد.

1 Baumrind

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

۱) تکلیف اجتماعی و دوستی: در برگیرنده تمام روابط اجتماعی فرد است که شامل ارتباط با دیگران در جامعه است. همدلی، ایثار، همکاری و... جلوه‌های از تکلیف دوستی کودک در زندگی اجتماعی است که در رابطه با همسالان و غیر همسالان صورت می‌گیرد. (اکستین و کرن، ۱۳۸۹:۱۳۴).

۲) تکلیف کار: این تکلیف به عنوان فرصتی برای غنی‌سازی خود یا دیگران تلقی می‌شود. کار ممکن است یک فعالیت خلاقانه یا تحمیلی باشد (یزدان دوست، ۱۳۸۹: ۳۱).

۳) تکلیف عشق: این تکلیف شامل توانایی‌هایی چون ابراز عاطفه، حضور روابط صمیمی و پایدار با افراد، توجه به رشد دیگران و اعتماد کردن می‌شود (اکستین و کرن، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

۴) معنویت: این تکلیف شامل سر و کار داشتن با خود روحی یا معنوی در واکنش به جهان، خدا و مفاهیم مشابه است. (یزدان‌دوست، ۱۳۸۹:۳۱)

۵) خلاقیت: شامل توانایی حل مسئله در برخورد با مشکلات می‌شود (همان، ۱۳۰).

۶) مراقبت: این تکلیف به شیوه‌های مختلف اجتناب از آسیب و مرگ و محافظت از خود در مقابل آن اشاره دارد (همان: ۱۳۲).

۷) فراغت: توصیف کننده‌ی شرایط اوقات فراغت کودک است که چگونه صرف می‌شود به بازی یا سایر فعالیت‌ها. (همان: ۱۳۲).

۲-۴- هدف:

به عقیده آدلر شناخت عمیق یک انسان، مشروط به قابلیت شناخت هدف اوست. در ضمن، او باید در وضعی باشد که حرکت زندگی‌اش در ارتباط با این هدف قرار بگیرد. هدف به صورت یک فکر راهنماست که در آن فرد پیوسته برای غلبه بر کوتاه دستی‌های خاص خود تلاش می‌کند. (آدلر، ۱۳۶۱: ۴۶) غایت و هدف در سبک زندگی ممکن است در جهت خواست اجتماع باشد و یا در صورتیکه شخص نسبت به اجتماع ضد و دشمن باشد در جهت عکس قرار بگیرد (شافر،۱۳۵۱:۱۰۲).

با توجه به ارائه نظریه آدلر در مورد بخش‌های مختلف سبک زندگی چهار مؤلفه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و هدف و تکالیف زندگی شامل تکلیف کار، تکلیف عشق، تکلیف معنویت و تکلیف خلاقیت، مراقبت و اجتماعی در نگرش سعدی به کودکان در بوستان مورد توجه قرار خواهد گرفت.

یافته ها

سعدی واقعگرا یا آرمان خواه

سعدی متفکر فرزانه ایست که نگاه تربیتی بر آثار او غالب است و همین نگاه، از او سخنوری حکیم ساخته است. این نحوه‌ی نگرش در هر دو کتاب بوستان و گلستان (با تفاوتی مشخص) بسیار پررنگ است. سعدی در گلستان شخصیتی واقع‌گرا و به وضوح نصیحتگر دارد و از آنچه «هست» سخت می‌گوید. اما در بوستان از آن چه «باید باشد». و این نحوه‌ی نگرش در بوستان از سعدی حکیمی آرمانگرا می‌سازد. آرمانگرایی که شاید علت سروده شدن این کتاب به زبان شعر هم باشد چرا که قالب شعر به ضرورت شعرگونگی نیازمند محتوایی آرمانی تر و انتزاعی تر از محتوای متون نثر است.

آرمان از نگاه سعدی آرزوها و خواسته‌های درونی و نیت هر فرد است که باید به کم کردن افسوس‌ها و رنج‌ها و اندوه انسان منجر شود. درواقع در صورتی که آرمان‌های سعدی تحقق پیدا کند انسان به مدینه فاضله‌ای که مورد نظر اکثر حکما و علماست، می‌رسد. سعدی بخش اعظم تحقق این آرمان‌ها را در پیروی از اخلاق و دین می‌داند. برای شخصیت شکل گرفته تربیت شونده و نیز نقشی که متعلم به عنوان یک شخصیت واحد و متمایز از نسب خویش اهمیت قابل است. در نتیجه مربیان را از در نظر گرفتن قالب‌های پیش ساخته و فرضیه‌های از پیش تعیین شده بر حذر می‌دارد. و معتقد است تربیت نسبی است و گاه مواضعی کوشش برای تربیت و تعلیم را ناکام می‌گذارد. (معبودی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

همه فیلسوفان یونان و روم — ز وحشی نیاید که مردم شود
توان پاک کردن ز زنگ آینه — به کوشش نروید گل از شاخه بید
چو رد می نگردد خدنگ قضا — ندانند کرد انگین از زقوم
به سعی اندر و تربیت گم شود — ولیکن نیاید زسنگ آینه
نه زنگی به گرمابه گردد سپید — سپر نیست بنده را جز رضا

(بوستان، ۱۳۷۰: ۳۳۹)

سعدی آموختن حرفه و پیشه را برای تربیت کودکان ضروری می‌داند.

به پایان رسد کیسه‌ی سیم و زر — نگردد تهی کیسه‌ی پیشه ور
چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس — کجا دست حاجت برد پیش کس

(همان: ۳۶۷)

و سرانجام سعدی دوران کودکی را دوران واقعی تربیت و نقش پذیری انسان می‌داند، که اگر این تربیت درست صورت نگیرد جبران آن در بزرگسالی دشوار خواهد بود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

به خُردی درش ز جر و تعلیم کن | به نیک و بدش وعده و بیم کن
نوآموز را ذکر و تحسین و زه | ز توبیخ و تهدید استاد به

(همان، ۱۳۷۰: ۲۶۹)

سعدی آموختن در دوان کودکی را موجب موفقیت و به مراد رسیدن در بزرگسالی می‌داند.

ندانی که سعدی مراد از چه یافت | نه‌هامون نوشت و نه دریا شکافت
به خردی نخورد از بزرگان قفا | خدا دادش اندر بزرگی صفا
هر آن کس که گردن به فرمان نهد | بسی بر نیاید که فرمان نهد
هر آن طفل کو جور آموزگار | نبیند، صفا بیند از روزگار
پسر را نکو دار و راحت رسان | که چشمش نماند به دست کسان

(همان: ۳۶۷)

بسامد حضور مفهوم کودک و دوران کودکی در بوستان

در بوستان سعدی ۸ بار کلمه فرزند، ۱۱ مرتبه واژه‌های کودک و کودکی، ۱۹ بار کلمه طفل و طفلان، ۲۹ بار کلمه‌ی پسر، ۳ مرتبه واژه دختر (که اصولا نظری درباره‌ی دختران ابراز نشده – نمونه اشعار ذکر خواهد شد) ۳ بار کلمه بچه (هر سه بار در مورد فرزندان حیوانات به کار رفته) و ۱۰ بار واژه خُرد ذکر شده است.

چگونگی پرداختن به مفهوم کودک و کودکی از نگاه سعدی

سعدی در بوستان ۷۵ بار واژگان گوناگون در مفهوم کودک و کودکی را در دفعات مختلف به کار برده به عنوان مثال: کلمه‌ی خُرد و خُردی کلا ۴ بار به عنوان اشاره به کودک و کودکی استفاده شده و بقیه‌ی موارد به عنوان واقعه و مسئله‌ای کوچک که قابل توجه نیست به کار رفته. و همه‌ی این موارد به بحث تربیت فرزند اشاره نداشته و قابلیت بررسی براساس نظریه آدلر را ندارد. از جمله می‌توان به این اشعار اشاره کرد.

الف: کاربرد واژه طفل تنها برای اشاره به دلیل گریستن مردی در شُرف اعدام برای فرزندانش

چو دیدش که خندید و دیگر گریست | بپرسید کاین خنده و گریه چیست
بگفتا همی گریم از روزگار | که طفلان بیچاره دارم چهار

(همان: ۲۶۹)

ب: اشاره به بی اعتباری دنیا و جایگزینی پسر به جای پدر

چو آلب ارسلان جان به جانبخش داد | پسر تاج شاهی بسر بر نهاد
چنین گفت دیوانه‌ای هوشیار | چو دیدش پسر روز دیگر سوار
زهی ملک و دوران سر در نشیب | پدر رفت و پای پسر در رکیب
چنین ست گردیدن روزگار | سبک‌سیر و بد عهد و ناپایدار

(همان: ۲۵۳)

ج: کاربرد واژه فرزند در اشاره به گرسنگی خانواده و کودکان سرهنگ دربار سلطان

به سرهنگ سلطان چنین گفت زن | که فرزندکانت نظر بر دهند
برو و تاز خوانت نصیبی دهند | که خیزای مبارک در رزق زن

د: برخی از اشارات خود سعدی خارج از بافت مثال و داستان و خطاب قرار دادن مخاطب و نصیحت کردن او

چو طفل اندرون دار از حرص پاک | چه مشتی زرش پیش همت چه خاک
خبر ده به درویش سلطان پرست | که سلطان ز درویش مسکین تر است

(همان: ۱۳۶)

مواردی از این دست بیش از یک سوم کاربرد واژگان کودک، خُرد، طفل – پسر – دختر – طفلان – کودکان – بچه و ... را در بوستان تشکیل می‌دهد، سایر موارد که شامل ۳۶ مورد اشاره مستقیم (که از بین ۷۵ بار اشاره‌ی مستقیم در قالب یک حکایت دو یا سه بار به یکی از واژه‌های مذکور – طفل – کودک – پسر – کودکی – فردی – خُرد – دختر – بچه و ... اشاره شده است و منظور همان مورد اشاره اول است و در نتیجه یک مورد در نظر گرفته می‌شود.) را می‌توان در قالب نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر بررسی نمود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

بررسی در قالب نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر

در این بخش ابیاتی که در آن‌ها به مفهوم کودک و کودکی در معنای تربیتی و قابل بررسی در قالب سبک‌های فرزندپروری اشاره شده تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. شخصیت فردی (نام – سن – جنس)
۲. سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظومه خانوادگی)
۳. تکالیف (تکالیف کار – خلاقیت – عشق – معنویت- مراقبت – اجتماعی و دوستی)
٤. هدف

در نمونه‌های زیر مفهوم کودک و کودکی براساس مؤلفه‌های ذکر شده تبیین می‌شود:

شنیدم که در وقت نزع روان — به هرمز چنین گفت نوشین روان
که خاطر نگه دار درویش باش — نه در بند آسایش خویش باش
نیاساید اندر دیار تو کس — چو آسایش خویش جوئی و بس
نیاید به نزدیک داناپسند — شبان خفته و گرگ در گوسفند

(همان: ۲۲۶)

۱. شخصیت فردی (نام، سن، جنس):

نام: هرمز، پسر انوشیروان دادگر که در این داستان در لحظات مرگ پدر مورد خطاب و نصیحت پدر قرار می‌گیرد.

سن: جوان، از آن‌جا که در منابع دیگر هم آمده که هر فرد نوجوانی و آغاز جوانی جای پدر را می‌گیرد و حدود نوجوانی و جوانی همین امروز هم چندان مشخص و دارای حد سنی مورد قبول همه نیست سن هرمز نوجوان درنظر گرفته می‌شود.

جنسیت: پسر.

۲. سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظومه خانوادگی):

روش تربیتی در این حکایت درواقع باید براساس رفتار و گفتار والد یا پدر مورد بررسی قرار گیرد چرا که هرمز کاملا منفعل و شنونده است. انوشیروان آن‌چه به نظرش می‌رسد را برای این‌که هرمز پادشاه خوبی باشد به او می‌گوید، از لحن او با توجه به این که در حال نزع است نصیحت و راهنمایی برداشت می‌شود اما نه امر و نهی همراه با پرخاش و ظلم بلکه با لحنی مقتدرانه آن‌چه شایسته‌ی پادشاهی مطلوب است به پسر می‌گوید. محتوای سخنان او نیز مواردی مطلوب و درست است که در نهایت خیر پسر را در پادشاهی آینده‌اش در پی دارد و نه دستوری از سر خودخواهی بنابراین با توجه به این مشخصات سبک فرزندپروری در این حکایت «مقتدرانه» است.

منظومه خانوادگی: با توجه به این‌که مرسوم بوده پسر بزرگ خاندان شاهی بعد از پسر به پادشاهی برسد هرمز نیز پسر اول (و نه لزوما فرزند اول) انوشیروان بوده اما ولیعهد یک خاندان سلطنتی بودن در گذشته بسیاری از شرایط و توجهات و انتظارات فرزندان اول خانواده را دربرداشته است.

۳-تکالیف (تکلیف کار – تکلیف خلاقیت – تکلیف عشق) :

تکلیف کار: پادشاهی، هرمز قرار است با وجود نوع فرزندپروری مقتدرانه انوشیروان پدرش پس از او به کار یا شغل یا جایگاه پادشاهی برسد.

تکلیف خلاقیت: هرمز باید تحت تأثیر نوع فرزندپروری پدرش بتواند در برخورد با مردم کشورش، حمله کشورهای بیگانه و بحران‌های تاریخی و اجتماعی بهترین راه‌حل‌ها را برای کشور و مردمش بیابد و در این راه باید از هوش و خلاقیت خود کمک بگیرد.

تکلیف معنویت: او با تکیه بر آموزه‌های معنوی که در سبک فرزندپروری پدرش آموخته باید خال درویشان و ناتوانان مراعات کند.

تکلیف اجتماعی: عادل بودن.

تکلیف مراقبت: نامشخص.

۴- هدف: پادشاه خوب بودن، و در مجموع نتیجه و هدف هر آن‌چه در روش و سبک پدرش هرمز به به کار رفته برای رسیدن به این هدف بود. که از وی پادشاهی خوب – عادل و باهوش بسازد.

در جایی دیگر سعدی به پندی اشاره می‌کند که خسروپرویز به پسرش شیرویه می‌دهد:

شنیدم که خسرو به شیرویه گفت — در آن دم که چشمش ز دیدن نبست
بر آن باش تا هرچه نیت کنی — نظر در صلاح رعیت کنی
الاتانپیچی سر از عدل و رأی — که مردم ز دستت نپیچند سر
بسی برنیاید که بنیاد خود — بکند آن که بنهاد بنیاد بد

(همان: ۲۲۷)

۱- شخصیت فردی (نام – سن – جنس)

نام: شیرویه / سن: نوجوان / جنس: پسر

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

۲-سبک فرزندپروری (روش تربیتی، منظومه خانوادگی)

ظومه خانوادگی: نامشخص، زیرا شیرویه بعد از قتل عام ۱۷ برادر خودش، ضمن کودتا بر ضد پدرش خسرو پرویز به حکومت رسید و بر همین اساس هم مشخص نیست فرزند چندم از حرمسرای خسرو پرویز است. و به همین دلیل هم هست که پدر او را چنین نصیحت می کند.

خرابی کند مرد شمشیر زن — نه چندان که آه دل طفل و زن
چراغی که بیوه زنی بر فروخت — بسی دیده باشی که شهری بسوخت

سبک فرزندپروری: مقتدرانه / زیرا که خسرو در هنگام مرگ به شیرویه نصیحت می کند هر کاری که می خواهی انجام بدهی دقت کن که به صلاح رعیت باشد و از عدل و داد دور نشوی چرا که کار و اندیشه‌ی بد ریشه‌ی انسان را از جا می‌کند. درواقع خسرو در جایگاه پدر با لحنی مقتدر، از بالا به پایین و از سوی والد راه درست را به پسر می نمایاند بی آن که انتخاب دیگری در برابرش قرار دهد و او را به سوی راه درست راهنمایی می کند اما بدون زورگویی یا ضرب و شتم.

۳-تکالیف

تکلیف کار: پادشاه شدن، شیرویه تحت نصایح و روش فرزندپروری خسرو آماده می شود تا پادشاه ایران شود و درواقع کار او پادشاهی است.

تکلیف خلاقیت: یافتن بهترین راه‌ها برای رفتار عادلانه با مردم.

تکلیف معنویت: پیروی از عدل خداوندی چنان که خسرو به شیرویه می گوید آه دل یک پیر زن می تواند بنیان تو را بکند.

تکلیف اجتماعی: عادل بودن خسرو به شیرویه سفارش می‌کند که همواره با عدل و داد رفتار کند و بنیاد بد ظلم را پایه‌گذاری نکند.

تکلیف مراقبت: مراقبت از حال درویشان – پیرزنان و ناتوانان.

۴-هدف: هدف از به کار بردن همه آن‌چه به عنوان روش فرزندپروری در مورد شیرویه اتفاق می افتد تبدیل او به یک پادشاه عادل و مردم‌دار است.

در جایی دیگر از بوستان سعدی درباره ضرب و شتم و کودک زدن کودک به دست والدین (در اینجا پدر) صحبت می‌کند.

فروکوفت پیری پسر را به چوب — بگفت این پدر بی گناهم مکوب
توان بر تو از جور مردم گریست — ولی چون تو جورم کنی چاره چیست
به داور خروش، ای خداوند هوش — نه از دست داور برآور خروش

۱-شخصیت (نام – سن – جنس)

نام: نامشخص / سن: نامشخص (کودک) / جنس: پسر

۲-سبک فرزندپروری (منظومه خانوادگی، سبک فرزندپروری)

سبک فرزندپروری: مستبدانه، همراه با ضرب و شتم، کاملا اقتدار و استبداد از بالا به پایین و بدون در نظر گرفتن سخنان طفل یا کودک است. در این حکایت سعدی حتی – معتقد است نباید از دست خداوند نالید بلکه باید به درگاه او داد و فریاد کنی و حقت را بگیری.

منظومه خانوادگی: نامشخص چون مخاطب «پسر» در معنای کودک یا نوجوان در معنی عام است.

۳-تکالیف:

تکلیف کار: نامشخص، زیرا کار و حرفه‌ی مشخصی در این بیت برای کودک ذکر نشده.

تکلیف خلاقیت: دعا کردن به درگاه خداوند به جای نالیدن از دست او، که نهایت خلاقیت فکری و کاری است که از پسر برمی‌آید.

تکلیف معنویت: ایمان به خداوند. کودک ستم‌دیده که پدر او را کتک می‌زند باید به داوری و لطف خداوند ایمان داشته باشد و حتی در بدترین شرایط به درگاه او فریاد کند

تکلیف عشق: نامشخص.

تکلیف اجتماعی: نامشخص.

تکلیف مراقبت: پناه بردن به خداوند و رحم خدا برای نجات خودش از ظلم پدر.

۴- هدف: تربیت کودک از طریق اعمال زور

در ابیاتی سعدی مخاطب را به مهربانی کردن و تسامح نسبت به کودکان یتیم دعوت می‌کند

پدر مرده را سایه بر سر فکن — غبارش بیفشان و خارش بکن
ندانی چه بودش فرو مانده سخت؟ — بود تازه بی بیخ هرگز درخت؟

۱- شخصیت: (سن – نام – جنس)

سن: نامشخص، چون صحبت از کودکان پدر مرده و یتیم به صورت عام است.

جنس: نامشخص، زیرا تنها از لفظ پدر مرده از کودک نام برده شده و دختر و پسر بودنش نامشخص است.

نام: نامشخص، پدر مرده صفت برای عموم کودکان یتیم است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

۲- سبک فرزندپروری (منظومه خانوادگی – روش و سبک فرزندپروری)

- منظومه خانوادگی: نامشخص، زیرا سعدی تنها با لفظ پدر مرده از عموم کودکان یتیم صحبت و حکم کلی صادر می‌کند.
- سبک فرزندپروری: مسامحه‌گر و آسان‌گیر. روشی مهربانانه که می‌گوید در برابر هر کوک پدرمرده و یتیمی مهربان باش و ا را تحت حمایت خود بگیر. سعدی در این جا صفت خاص یا ویژگی مشخصی را برای یتیم ذکر نمی کند که قید و بندی برای نیکی کردن ایجاد کند و با سهل‌گیری و مهربانی همه‌ی یتیمان را مشمول مهر می‌داند.

۳-تکالیف:

تکلیف کار: نامشخص زیرا حرفه و کار مشخصی در بیت ذکر نشده.

خلاقیت: به کار بردن روش‌هایی برای مراقبت از کودک یتیم

تکلیف معنویت: مهربانی با کودکان پدرمرده طبق توصیه دین و اخلاق

تکلیف عشق: دوست داشتن و مهر ورزیدن به کودکان بتیم

تکلیف اجتماعی و دوستی: دوست داشتن یتیمان در جامعه و مهر ورزیدن به آن‌ها و با آن‌ها دوستی کردن.

تکلیف مراقبت: مراقبت کردن و نگهداری از بتیمان در مقابل مشکلات زندگی.

۴- هدف: مهربانی با یتیمان و تکیه‌گاه آنان بودن.

آن‌چه در مثال‌های فوق بیان شد نمونه‌ای از روش بررسی تک تک مواردی است که در بوستان به کودک و دوران کودکی (با هر اسم مترادف کودک و کودکی) اشاره شده ۳۶ مورد حکایت – نصیحت و اظهارنظر از زبقان سعدی مورد بررسی قرار گرفت که در تعدادی از آن‌ها بیش از سه یا چهار مورد تکرار واژگانی صورت گرفته که جمعا به حدود ۶۰ کاربرد لغوی (از ۷۴ مرتبه کاربرد واژگان اشاره کننده به کودکی) می‌رسد.

در این میان بالاترین تعداد سبک فرزندپروری در بین این موارد به سبک مقتدرانه با ۲۱ مورد تعلق دارد. و سبک مستبدانه ۹ مورد دومین سبک مورد توجه سعدی است و سبک آسان‌گیر و مسامحه‌گر ۷ مورد را به خود اختصاص می‌دهد. با بررسی اولیه می‌توان لحن نصیحت گر، از موضع بالا و خیرخواهی همراه با سخت گیری را ویژگی‌های سخن سعدی درباره‌ی کودک و دوران کودکی دانست که نحوه‌ی نگاه او به روش تربیتی کودکان و نگاه به دوران کودکی را مشخص می‌سازد. (نمودار شماره ۱)

سبک مسامحه گر و بی توجه در بین مضامین و حکایات سعدی دیده نمی‌شود. و این به آن معناست که کودکان و دوران کودکی در هر حال مورد توجه سعدی بوده و بی توجهی به کودکان از نظر او نکوهیده است.

در میان ۳۶ مورد بررسی شده سعدی ۱۴ مورد از واژه‌ی پسر، ۱ مورد دختر و بقیه تحت عنوان کودک – طفل و بچه (در مورد بچه حیوانات مثل شتربچه) استفاده کرده است مواردی نیز مثل پسر عضد و پسر سلطان و یتیم به کار برده است.

در بررسی جنسیت نیز در موارد نامبرده از پسران و یک مورد دختر اصولا جنسیت کودک مشخص نیست و فقط با الفاظ کودک – عهد خُردی – طفل به کودک اشاره می‌شود و این نشان دهنده برتری پسران بر دختران برای حضور در بوستان دارد اما تعداد بیشتر موارد بدون جنسیت مشخص که صرفا با عناوین کودک – طفل – فرزند و یتیم از آن‌ها نام برده شد، نشان دهنده اهمیت «کودکی» فارغ از جنسیت برای سعدی است.

در بین تکالیف متعدد زیرمجموعه سبک زندگی آدلری تکلیف عشق به جز سه مورد پاسداشت عشق مادری در فرزند یک مورد عشق به کودکان یتیم هیچ مورد دیگری یافت نمی‌شود. و اکثریت موارد طبق جدول شماره ۱ اختصاص به تربیت درست، حفظ حرمت بزرگان، دوری از خساست، حفظ جان و در یک کلام انسان خوب بودن دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از بررسی ابیات بوستان در بخش مربوط به میزان تکرار واژگان و مفاهیم مربوط به نظریه آدلر که سعدی برای اشاره به کودکان و دوران کودکی به کار برده نشان دهنده چند نکته‌ی شاخص است. نخست، برتری جنسیتی پسران بر دخترها در متن بوستان و نکته‌ی قابل توجه دیگر این‌که در اکثر موارد جنسیت بچه‌ها از دید سعدی در بوستان مورد توجه نیست و فقط با واژه‌های طفل – خُرد – بچه – کودک – یتیم و ... به کودکان اشاره می‌شود. همچنین در بین سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدرانه که دربرگیرنده نگاه حقیقی‌تر والدین نسبت به کودکان است و هویت آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد و با رو.شی منطقی به نصیحت کودکان می‌پردازد در رده‌ی اول و پس از آن سبک مستبدانه که نگاه آمرانه دارد و گاه حتی تنبیه را هم مجاز می‌داند در مواجهه با کودکان به کار رفته، ویژگی هر دو این سبک‌ها نصیحت، رفتار آمرانه و راهنمایی کودک است که پیکره‌ی اصلی سخن سعدی را تشکیل می‌دهد. سبک مسامحه‌گر و آسان‌گیر که در آن کودکان کمتر در مرکز توجه قرار می‌گیرند، فرصت بیشتری در اختیار کودکان قرار می‌دهد، نگاه مهربانانه‌تری از سوی والدین را طلب می‌کند و سهم نصیحت در آن کم‌تر است. با ۷ مورد کاربرد در بوستان در مقایسه با دو روش مقتدرانه و مستبدانه جایگاه سوم را دارد. سنجش و مقایسه میزان کاربرد این سبک‌ها در بوستان نشان‌دهنده‌ی تسلط بالای روحیه‌ی نصیحت‌گر و کنترل‌گری از نگاه سعدی است که در دید کلی‌تر تصویر سعدی آرمانگرا را در بوستان تکمیل می‌کند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

در مورد منظومه خانوادگی سعدی اصولا جز دو مورد که در مورد پسران بزرگ پادشاه سخن می‌گوید که به شاهی می‌رسند اصلا به این مورد توجهی نمی‌کند و نتیجه این است که از نظر سعدی اصولا فرزند چندم خانواده بودن و حال و هوای خانواده در تربیت کودک نقشی ندارد.

و در آخر در مورد تکالیف زیرمجموعه سبک زندگی آدلری برای کودکان، مواردی چون انسان خوب بودن، مراقبت از جان، حرمت بزرگان را نگاه داشتن و در یک کلام یک انسان آرمانی بودن برای کودک تعریف شده که البته مقوله‌ی عشق جز دو مورد که در قالب عشق کودک به مادر تعریف می‌شود جایی ندارد که این خود تأکیدی است بر نگاه نصیحت گر و مقتدرانه‌ی سعدی که جایی برای عشق را برای کودکان و نوجوانان در این نگاه قایل نیست.

جدول شماره (۱) – جدول کاربرد تکالیف در کل ابیات بوستان سعدی که به مقوله کودک و کودکی اشاره دارد

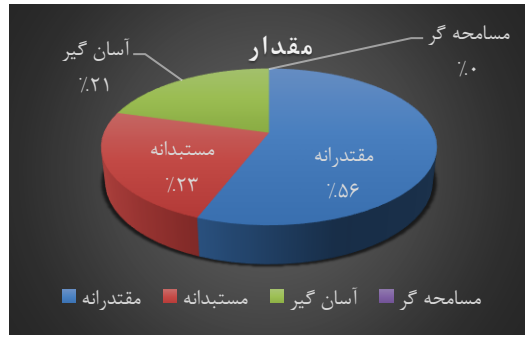
شماره	شعر	تکلیف کار	تکلیف اجتماعی	تکلیف عشق	تکلیف معنویت	تکلیف مراقبت	خلاقیت	هدف
۱	شنیدم که در وقت نزع روان به هرمز چنین گفت...	پادشاه شدن	عادل بودن	ـــــــ	مراعات خاطر درویشان	ـــــــ	رفتار دوستانه با همه	پادشاه خوب بودن
۲	شنیدم که خسرو به شیرویه گفت...	پادشاه شدن	عادل بودن	ـــــــ	پیروی از عدل خداوندی	مراقبت از حال ناتوانان	توجه به عدل خدا	پادشاه عادل بودن
۳	بسی جهد کردم که فرزند من پس از من...	پادشاه شدن	عادل بودن	ـــــــ	سروری بزرگان	محافظت در برابر دشمنان	ـــــــ	پادشاهی
۴	شنیدم که در مرزی از باختر برادر دو بودند...	پادشاه شدن	۱-خوبی ۲-گردنکشی	ـــــــ	خوبی با مردم	محافظت در برابر دشمنان	خوبی کردن	پادشاهی
۵	یکی پند می داد فرزند را، نگه دار...	ـــــــ	زورورزی نکردن با فرزند	ـــــــ	مراقبت از رفتار متکبرانه	مراقبت از خود در برابر دلیران	توجه به رفتار با دیگران	ماندگاری
۶	جهان ای پسر ملک جاوید نیست...	ـــــــ	دانش و داد آموختن	ـــــــ	در بند آسایش خلق بودن	ـــــــ	آموختن و خرج کردن	زندگی بهتر
۷	پدر مرده را سایه بر سر فکن، غبارش بیفشان و	ـــــــ	در جامعه به کودکان یتیم توجه کردن	عشق به کودکان یتیم	ـــــــ	ـــــــ	به کار بردن روش‌هایی برای حفاظت از کودکان یتیم	ـــــــ
۸	در این روزها زاهدی با پسر، شنیدم که ...	ـــــــ	به اندازه داشتن و خرج کردن	ـــــــ	استفاده از پول در راه درست	محافظت خود از فقر	به موقع پس انداز کردن	زندگی با عزت و شرف
۹	به دختر چه خوش گفت...	ـــــــ	به اندازه داشتن و خرج کردن	ـــــــ	استفاده از پول در راه درست	محافظت خود از فقر	به موقع پس انداز کردن	زندگی با عزت و شرف
۱۰	ببخش ای پسر کادمیزاده را، صید به احسان ...	برتری بر دشمن	نیکی کردن	ـــــــ	کرم کردن با دشمن	حفظ خود در برابر دشمن	نیکی به دشمن	حفظ جان
۱۱	نه طفلی کز آتش ندارد خبر، نگهدارش ...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
۱۲	فرو کوفت بپری پسر را....	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ایمان به خدا و دادخواهی	پناه بردن به خدا	دعا کردن	رهایی از ظلم
۱۳	شتر بچه با مادر خویش گفت...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	تسلیم در برابر تقدیر	ـــــــ	دعا کردن	تسلیم در برابر خواست خدا
۱۴	شنیدم که نابالغی روزه داشت...	روزه داشتن	حفظ ظاهر روزه داری	ـــــــ	ادای تکلیف در برابر خدا	حفظ ظاهر	روزه خواری در خفا	حفظ ظاهر

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

۱۵	چو روی پرستیدنت در خداست...	ـــــــ	پنهانی عبادت کردن	عشق به خداوند	عبادت برای خدا	حفظ اصالت ایمان	پنهان ماندن عبادت از خلق	ایمان خالصانه داشتن
۱۶	یکی طفل دندان برآورده بود...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
۱۷	عضد را پسر سخت رنجور بود...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	حفظ سلامت	رفتن به باغ	بهبودی
۱۸	شنیدم که از پارسایان یکی...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
۱۹	به طفلی درم رغبت روزه خواست...	ـــــــ	روزه گرفتن	ـــــــ	پاک شدن درون	آموختن اصول روزه	ـــــــ	روزه داری درست
۲۰	پسر چون ز ده برگذشتش سنین...	ـــــــ	رعایت حدود عرف	ـــــــ	رعایت آموزه های دینی	رعایت حدود	ـــــــ	تربیت درست
۲۱	هرآن طفل کو جور آموزگار...	ـــــــ	آموختن از آموزگار	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
۲۲	پسر کو میان قلندر نشست...	قلندر شدن	دوری از قلندران	ـــــــ	ـــــــ	حفظ خود از همنشین بد	ـــــــ	تربیت درست
۲۳	مکن بد به فرزند مردم نگاه	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ
۲۴	نه طفل دهان بسته بودی ز لاف ...	ـــــــ	ـــــــ	عشق به مادر	توجه	انسان خوب بودن	ـــــــ	رشد معنوی و مادری
۲۵	جوانی سر از رای مادر بتافت...	ـــــــ	فرزند خوب بودن	ـــــــ	توجه به ناتوانی و مراقبت مادر	ـــــــ	ـــــــ	انسان و فرزند خوب بودن
۲۶	یکی گوش کودک بمالید سخت...	ـــــــ	حرف شنوی	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	هیزم شکنی
۲۷	مرا تکیه، جان پدر بر عصاست...	ـــــــ	مراعات کهنسالان	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	جوانی کردن
۲۸	هوس پختن از کودک ناتمام...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	معصومیت	ـــــــ	ـــــــ	به هوس رسیدن
۲۹	مرا می بباید چو طفلان گریست...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ناتوانی	ـــــــ	ـــــــ	معصومیت
۳۰	چه خوش گفت با کودک آموزگار...	ـــــــ	بی تفاوت نبودن	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	جلوگیری از اتلاف وقت
۳۱	همی یادم آمد ز عهد صغر...	ـــــــ	جمعگرا بودن	ـــــــ	گوش به فرمانی	تنها نماندن	ـــــــ	از بزرگان راهنمایی گرفتن
۳۲	مریدان به قوت ز طفلان کمند...	ـــــــ	کمک گرفتن	ـــــــ	گوش به فرمانی	ـــــــ	ـــــــ	از بزرگان راهنمایی گرفتن
۳۳	بیاموز رفتار از آن طفل خُرد...	ـــــــ	کمک گرفتن از بزرگان	ـــــــ	همراهی بزرگان	یاری گرفتن از بزرگان	استعانت به دیوار بردن	در ردیف پارسایان درآمدن
۳۴	یکی زهره خرج کردن نداشت...	ـــــــ	آموختن	ـــــــ	بی ارزش بودن پول	حفظ پول	آلودن نایی و چنگی	عیش در دنیا
۳۵	پسر را نکودارو راحت رسان...	ـــــــ	چشم و دل سیری	ـــــــ	بی ارزش دارایی و مال	ـــــــ	ـــــــ	غنی شدن و چشم سیری
۳۶	به صنعا درم طفلی اندر گذشت...	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ	ـــــــ

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]

(نمودار شماره۱) بسامد استفاده از سبکهای فرزند پروری بر اساس نظریه سبک زندگی آلفرد آدلر



(نمودار شماره ۲) نمودار بسامد کاربرد جنسیت کودکان در بوستان



منابع

آدلر، آلفرد (۱۳۶۱). *روان‌شناسی فردی*. ترجمه حسن زمانی شرفشاهی. نگارش میهن بهرامی. بی‌جا: پیشگام.

اسمخانی اکبری نژاد، هادی، و نصیرنژاد، فریبا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه حمایت اجتماعی والدین و سبک های فرزندپروری با هویت و سلامت روانی فرزندان. *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۶)، ۹-۲۷. https://sid.ir/paper/۲۰۶۲۴۱/fa .

اکستین، دنیل جی؛ کرن،روی (۱۳۸۹) *ارزیابی و درمان سبک زندگی*. مترجمین: حمید علیزاده و محسن یوسفی و فروزان کرمی. چاپ اول. اهواز: رسش.

پرچم، اعظم، فاتحی زاده، مریم السادات، و اله یاری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبکهای فرزندپروری بامرینذ با سبک فرزند پروری مسوولانه در اسلام. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۰ (دوره جدید)(۱۴)، ۱۱۵-۱۳۸. https://sid.ir/paper/fa۴۷۱۲۵۲/

جعفری، مصطفی، جعفری، علی ,ابوترابی، الدوز السادات. (۱۳۸۹). رابطه تیپ های شغلی-شخصیتی نوجوانان دبیرستانی با ترتیب تولد آنها و مقایسه تیپ ها در نوجوانان دختر و پسر .*مشاوره شغلی و سازمانی*۴(۲)، ۱۳۳- ۱۵۴.

خسرونژاد، مرتضی (۱۳۸۲). *معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک*. چاپ اول. تهران: مرکز.

زینالی، علی، وحدت، رقیه ,قره دینگه، خاور. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان .*خانواده پژوهی*، ۶(۳).

سعدی، بوستان؛ تصحیح فروغی، محمدعلی (۱۳۷۰)، چاپ ششم، تهران، آینده.

هربر شافه، علی محمد برادران رفیعی. ۱۳۵۱. روان شناسی آلفرد آدلر .*جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق* ، ۲۹.

خدیجه سادات غنی آبادی. ۱۳۷۷. «*شیوه های فرزند پروری*.» فیست، جس ؛ فیست،گریگوری (۱۳۸۶) *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.

نوابخش، مهرداد، و فتحی، سروش. (۱۳۹۰). شیوه های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. *پژوهش دینی*، -(۲۲)، ۳۳-۶۴. https://sid.ir/paper/fa۹۰۸۲۵/

مهدی کی نیا. ۱۳۵۶. «آدلر و منظومه خانوادگی.» *مکتب مام*، ۱۳۵۶، ۹۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.

معبودی، زهرا (۱۳۹۱)، *جامعه شناسی در آثار سعدی*، چاپ اول، تهران، تیرگان.

ناصحی عباسعلی، رئیسی فیروزه. مروری بر نظریات آدلر . *تازه های علوم شناختی*. ۱۳۸۶; ۹ (۱) :۶۶-۵۵. URL: http://icssjournal.ir/article-۳۴۰-۱-fa.html

یزدان‌دوست، راحله (۱۳۸۹) .بررسی بین قومیتی نقش سبک فرزند پروری در شکل سبک زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.

Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. London Routledge. Press.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-31]